

Original Article

Situationism in Education: Comparison of view of John Dewey and Iran's Education Transformation Document

Tahereh Rajabi*
Mohsen Farmahini Farahani**
Mehdi Sobhaninejad***

Introduction

The purpose of the current research is to explain the situation of education and training, which has been investigated and studied from the perspective of John Dewey and the theoretical foundations of the fundamental transformation of Iran's education system.

Method

George Brady's comparative research method, which includes four stages of description, interpretation, comparison, and comparison, has been used. The primary source of information collection is the writings of John Dewey and the theoretical foundations of the fundamental change document, and the secondary sources are the articles that have been explained and investigated on this issue.

Results

The findings of the research show that; The philosophical antecedents of situation orientation in education and training are based on John Dewey's view based on the rejection of any pre-determined basis and rule, the position implies a general and comprehensive matter, which is of intuitive understanding and cannot be explained by reasoning, but the situation in the basics The theory of the transformation document is subject to criteria and is not based on pre-determined rules in the process and results, and in fact, it draws a unified and monotheistic vision in a situation-based pluralistic

* Ph.D. student of Philosophy of Education, Shahid University, Tehran, Iran.

** Professor, Department of Educational Sciences, Shahid University, Tehran, Iran.
Corresponding Author: farmahinifar@yahoo.com

*** Associate Professor Department of Education ,Shahed University, Tehran, Iran.

process for education. The theoretical foundations of the transformation document are It seeks the connection between the making, finding and being situation. The common point in Dewey's point of view and the theoretical foundations of the transformation document is the rejection of any presuppositions and predicted rules, as well as attention to the holistic view of the concept of situation, but what can be pointed out as a point of distinction and difference is the theoretical foundations of the transformation document. It has a trans-situational, unitary and monotheistic approach, also the situation is subject to criteria in the basics, but John Dewey's view lacks a trans-situational view and is enclosed in the empiricism approach.

Discussion

According to the results presented in the comparative study of the situation from the point of view of John Dewey and the theoretical foundations of the document of transformation, at the end of the article, references were made for the education system of Iran.

Keywords: situation, Dewey, theoretical foundations of fundamental change, education

Author Contributions: Author 1 was responsible for leading the overall research process. Author 2 was responsible for research plan design, data collection and analysis and all authors discussed the results, reviewed and approved the final version of the manuscript.

Acknowledgments: The authors thank all dear teachers who have helped us in this research.

Conflicts of interest: The authors declare there is no conflict of interest in this article.

Funding: This research is not sponsored by any institution and all costs have been borne by the authors

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۲۶
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶

مجله‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
بهار و تابستان ۱۴۰۳، دوره‌ی ششم، سال ۳۱
شماره‌ی ۱، صص: ۲۰۸-۱۹۱

مقاله پژوهشی

نگاه تطبیقی به موقعیت مداری در تعلیم و تربیت از منظر جان دیویی و مبانی نظری سند تحول بنیادین

طاهره رجبی *

محسن فرمهینی فراهانی **

مهدی سبحانی نژاد ***

چکیده

هدف پژوهش حاضر، نگاه تطبیقی به موقعیت مداری در تعلیم و تربیت است که از منظر جان دیویی و مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران مورد بررسی و مطالعه تطبیقی قرار گرفته است. از میان روش‌های مطالعه تطبیقی روش جرج بردی که شامل چهار مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه است استفاده شده است. منبع اولیه گردآوری اطلاعات تألیفات جان دیویی و مبانی نظری سند تحول بنیادین است و منابع ثانویه که به تبیین و بررسی این موضوع پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است؛ پیشایندهای فلسفی موقعیت محوری در تعلیم و تربیت بر مبنای دیدگاه جان دیوینی مبتنی بر طرد هر گونه مبنا و قاعده از پیش تعیین شده است، موقعیت دلالت بر امر کلی و فراگیر دارد که از جنس درک شهودی است و قابل تبیین استدلالی نیست اما موقعیت در مبانی نظری سند تحول، تابع معیار است و در فرایند و نتایج مبتنی بر قواعد از پیش تعیین شده نیست و در واقع یک بینش وحدت‌گرا و توحیدی را در فرایندی متکثر مبتنی بر موقعیت، برای تعلیم و تربیت ترسیم می‌کند، همچنین پیوستگی و چرخش بین مراحل موقعیت‌پذیری، موقعیت‌یابی و موقعیت‌سازی وجود دارد. نکاتی که به عنوان نقطه مشترک در دیدگاه دیویی و مبانی نظری سند تحول واجد بررسی هستند عبارتند از طرد هرگونه پیش‌فرض و قواعد پیش‌بینی شده، همچنین توجه به نگاه کل‌گرایانه در مفهوم موقعیت است اما آنچه به عنوان نقطه تمایز و تفاوت می‌توان به آن اشاره کرد مبانی نظری سند تحول بیشتر رویکرد فراموقعیتی و وحدت‌گرا و توحیدی دارد همچنین موقعیت در مبانی تابع معیار است اما دیدگاه جان دیویی فاقد نگاه فراموقعیتی است و در رویکرد تجربه‌گرایی محصور شده است.

واژه‌های کلیدی: موقعیت، دیویی، مبانی نظری سند تحول بنیادین، تعلیم و تربیت

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

** استاد، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) farmahinifar@yahoo.com

*** دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

مقدمه

امروزه تفکر فلسفی درباره‌ی تعلیم و تربیت وارد میدان‌های جدیدی شده است. شیوه رایج در فلسفه‌ی تعلیم و تربیت به سوی فهم و حل مسائل و موضوعات در یک مفهوم زمینه‌ای پیش می‌رود، تأکید به جای آنکه بر رشد در حالت کلی باشد، بر شناخت فرد انسان در زمینه‌های خاص استوار است (Ozman & Kraver, 2017, 570).

زمینه‌هایی مانند ذهن، زبان و فرهنگ انسانی در کنار پیچیدگی واقعیت و اثرات ناشی از آن به مداخله انکارناپذیر سازه‌های مختلف در رشد فرد و دانش او منجر می‌گردند (Bagheri, 2013). بدون در نظر گرفتن تحولات جدید و گفتمان‌های معرفتی حاکم در زمانه که متأثر از دوره مدرن و پسا مدرن می‌باشد؛ رسیدن به اهداف تعلیم و تربیت امکان‌پذیر نیست. یکی از پارادایم‌های جدید، توجه به موقعیت یا موقعیت‌گرایی است. در تعریف موقعیت معتقد است که «رویارویی فرد با شرایطی که همواره او را در بر می‌گیرد و بر مبنای تأثیرپذیری و تأثیرگذاری است، را موقعیت (وضعیت) می‌نامند» (Naqibzadeh, 2011).

این پارادایم معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی بر حوزه‌های روان‌شناسی و اخلاق اثرات قابل ملاحظه‌ای داشت و به تبع آن وارد حوزه‌ی تعلیم و تربیت و برنامه‌دستی هم شد. به گونه‌ای که امکان رسیدن به تعریف واحد و معین از آن وجود ندارد. واژه موقعیت در فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، ذهن را با جان دیویی فیلسوف نام‌آشنای قرن ۲۱ گره می‌زند. این گفته خود دیویی را نباید دست کم گرفت، که در کل فلسفه او «موقعیت یک کلمه کلیدی است» (Alexander, 1987, 86).

دیویی در پرداختن به انسان به دنبال ذات حقیقی او و گوهر آدمی نیست بلکه از رویارویی، کشاکش و سازگاری آدمی با شرایطی که همواره او را در بر می‌گیرد سخن می‌گوید و تربیت، نتیجه و پیامد قرار گرفتن در این وضعیت‌ها و تجربه کردن و آزمون دادن است. تأکید دیویی بر دو سویه بودن این تأثیر و نقش فعال انسانی در این کشاکش است (Naqibzadeh, 2011, 76). جان دیویی در تلاش بود از دوگانگی دکارتی به یک پیوستگی برسد و ادراک کل نگر و پویا از جهان را جایگزین متافیزیکی ذات گرا و اتمی از جهان کند. دیویی به مبانی معرفت‌شناختی فیلسوفان مادی گرا از جهت فروگذاری شناخت عقلانی نقد

وارد می‌کند و بر ناکامی اصالت تجربه صحه می‌گذارد. در خاستگاه اندیشه دیویی به ساختار متصل و پیوسته جهان می‌رسیم که این مبنا مانع نگاه سوبژکتیو می‌گردد. روابط به طور عینی در جهان و به طور ذهنی در تجربه ما حاضر نیستند. تجربه‌ها همیشه در معرض تفسیرند و معنای تفسیر که در تجربه ایجاد می‌گردد به معنای جانمایی از معانی است که در درون یک تجربه ماوا دارد (Ansari & Shaygan Far, 2019).

از طرف دیگر در مبانی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که موضع نظری و فلسفه تربیتی مقبول و معتبر در جامعه اسلامی ایران است، سیمای کلی انسان با گزاره‌های توصیفی برگرفته از معارف اصیل اسلامی تبیین شده است. یکی از این گزاره‌ها توصیف انسان به واسطه موقعیت اوست که «انسان همواره در موقعیت است و می‌تواند آن را درک کند و تغییر دهد» (Higher Education Council, 2013). درک موقعیت و توانایی برای اصلاح آن از اهداف تربیت در سند تحول است و مدرسه زمینه‌ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش‌آموزان معرفی می‌شود (همان: ۱۷). لازمه رسیدن به اهداف سند تحول آموزش و پرورش، تبیین و بررسی هر چه بیشتر مفاهیم کلیدی این سند می‌باشد و یکی از این مفاهیم کلیدی که در سطح اهداف تربیت مطرح شده است، موقعیت می‌باشد.

از طرف دیگر شرایط کنونی حاکم بر جهان و تحولات سریع پیش رو چالش‌های بیشتری را فرا روی انسان می‌گشاید به گونه‌ای که سرعت تغییرات همانند شوکی برای انسان است که او را همواره در موقعیت‌های متنوع و پیچیده‌ای قرار می‌دهد. در این شرایط چگونگی مواجهه با این موقعیت‌ها می‌تواند برنامه و دستورالعمل تربیت و رشد انسان تلقی شود و موفقیت در تربیت در گرو یک تلقی صحیح از موقعیت مندی انسان است. این مسأله در شرایطی حائز اهمیت می‌شود که مبانی و گزاره‌های مطلق در تعریف تربیت با موقعیت‌های مبتنی بر زمان و مکان خاص نتواند به هماهنگی برسد و بیم افتادن در ورطه نسبی‌گرایی را پیدا کند.

با عنایت به اهمیت و ضرورت پژوهش، آنچه به عنوان مسائل اساسی برای نگارندگان پژوهش حاضر مطرح است عبارتند از؛ توصیف انسان به واسطه موقعیت او که در مقایسه با سایر گزاره‌های توصیفی انسان نظیر توجه به فطرت الهی انسان، اختیار و خرد، حقوق و تکلیف، اجتماعی بودن؛ کمتر مورد توجه قرار گرفته است و تاکنون پژوهش مستقلی در این زمینه انجام نشده است. از طرفی بیشتر پژوهش‌هایی داخلی و خارجی از جریان موقعیت

گرایان در خصوص تبیین اخلاق موقعیت‌گرا بوده است و تحقیقات اندکی در حوزه تعلیم و تربیت به بحث درباره این موضوع می‌پردازد. از جمله (Rezaei (2019) در کتاب «مفهوم موقعیت در سند تحول آموزش و پرورش» به صورت اختصاصی به تحلیل محتوای سند بر محور موقعیت پرداخته است همچنین Hosseinpour Sabbagh (2019) در مقاله‌ای مفهوم موقعیت در تربیت ارزشی را برای رسیدن به استلزامات تربیتی بررسی کرده است و به سه جریان موقعیت‌گرا دیوئی، نو ارسطوگرایی و ضدارسطوگرایی اشاره می‌کند. Mahmoudi (2021) نیز در مقاله خود با عنوان طراحی الگوی خلاقیت موقعیتی مبتنی بر رویکرد تربیت تأملی، به پیوندی در عمل‌گرایی، تربیت تأملی و فلسفه برای کودک نظر دارد و در پژوهش خود به این نتیجه می‌رسد که تجربه را به مثابه جریان، یکپارچگی درک جهان و جامعه آمادگی به عنوان پدیده محوری بر مبنای شرایط علی «ساماندهی موقعیت و عمل در موقعیت» و از طریق راهبردهای «تحریک انگیزی، تفکر زایشگر، تأکید بر امور متضاد، یادگیری از طریق پایداری، تغییر و بازسازی محیط و گشودگی بیان» منجر به تحقق «توجه به جنبه‌های عاطفی آموزش، خلاقیت یکپارچه، تقویت خودارزیابی و انگیزه مشارکت بالا» می‌گردد.

Alfano (2012) در کتاب موقعیت‌گرایی معرفتی و طی مقالات مختلف به درگیری بین معرفت‌شناسی فضیلت و فرضیه موقعیت‌گرایانه الهام گرفته از تحقیقات در روان‌شناسی تجربی می‌پردازد. معرفت‌شناسی سؤالاتی را درباره ماهیت دانش دنبال می‌کند. Louva et al. (2018) در پژوهش خود با بررسی طرفداران رویکرد شخصی به تعریف موقعیت، که توجه خود را بر تفاوت‌های شخصیت‌شناختی بین افراد متمرکز کردند به تبیین دیدگاهی می‌پردازد که نقش عوامل موقعیتی را در تبیین رفتار پرننگ‌تر از عوامل درونی می‌بیند و بر مبنای رویکرد موقعیتی در روان‌شناسی اجتماعی، ارتباط مستقل شخصیت از محیط را غیرممکن می‌داند. Clemente (2021) در مقاله خود به بررسی نظریات پریچارد در موقعیت‌گرایی معرفتی می‌پردازد که با توسل به مفهوم وابستگی معرفتی، از معرفت‌شناسی فضیلتی در برابر موقعیت‌گرایی معرفتی دفاع می‌کند.

با عنایت به آنچه اشاره شد این پژوهش به دنبال این است که انسان را از زاویه «موقعیت» او مورد واکاوی قرار دهد و بتواند طرحی در تعلیم و تربیت بر مبنای موقعیت بنا کند به گونه‌ای که تعادل بین نظریه و عمل در تعلیم و تربیت با طرح موقعیت و توجه به ادراک و

اصلاح موقعیت ایجاد خواهد شد و راه‌هایی از دوگانه‌های فلسفی مانند عینیت و ذهنیت، ساختار و عاملیت، تفکر و احساس ... را هموارتر می‌کند. در موقعیت ظرفیت آدمی با ازدیاد شناخت از شرایط و موقعیت خود، بیشتر آشکار می‌شود. در پژوهش حاضر به بررسی تعریف و جایگاه موقعیت از منظر دیویی و موقعیت در مبانی سند تحول آموزش و پرورش پرداخته خواهد شد، تا با کنار هم قرار گرفتن دو دیدگاه و شناخت بیشتر تفاوت‌ها و شباهت‌ها به فهم بهتر موضوع کمک گردد.

روش

برای نیل به هدف پژوهش ابتدا از روش تحلیل مفهومی و اسنادی استفاده گردید. روش تحلیلی می‌تواند ما را در مفهوم‌شناسی مسائل تعلیم و تربیت یاری کند زیرا بخش قابل توجهی از مسائل تربیتی، مسائل مفهومی هستند که باید مشخص شود این مفاهیم دارای چه عناصر و روابط معنایی است. با مشخص شدن این مرزهای معنایی می‌توان معلوم کرد که در هر دیدگاه تربیتی، چه تصویری از مفهوم مدنظر دارد (Bagheri et al., 2010). سپس در مقایسه دو رویکرد از موقعیت‌گرایی از روش تحلیل تطبیقی استفاده شده است. روشی که در آن شباهت‌ها و تفاوت‌های گزاره‌ها و مفهوم‌ها با هم مقایسه می‌شود (Madandar, 2019, 20) تطبیق موقعیت در فلسفه دیویی و مبانی نظری سند تحول بنیادین بر اساس مدل مقایسه‌ای چهارمرحله‌ای جورج بردی که شامل توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه است؛ انجام گرفت (Adik, 2018). در مرحله توصیف به شرح دیدگاه دیویی درباره موقعیت و جمع‌آوری گزاره‌های مرتبط با موقعیت در مبانی نظری سند تحول پرداخته شد. در مرحله تفسیر داده‌های جمع‌آوری شده مرحله قبل مورد تجزیه و تحلیل قرار داده شد. در مرحله همجواری نتایج به دست آمده از مرحله قبل در کنار هم قرار داده شد و در مرحله مقایسه در یک جدول شباهت‌ها و تفاوت‌های مربوط به مفهوم موقعیت در قالب گزاره‌های مختلف مقایسه گردید. جامعه پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با مفهوم موقعیت از نظر جان دیویی و مبانی نظری سند تحول آموزش و پرورش است که متناسب با جامعه پژوهش گردآوری شده و سؤالات تحقیق، مهم‌ترین و معتبرترین منابع متنی موجود برای بررسی دقیق‌تر انتخاب گردید.

یافته‌های پژوهش

مرحله اول : توصیف

موقعیت از منظر جان دیوئی: گسترده‌ترین و متمرکزترین برخورد دیوئی با مسائل منطقی را می‌توان در کتاب «منطق نظریه تحقیق»^۱ (1938) او یافت. یکی از کلیدواژه‌های اصلی این کتاب «موقعیت»^۲ است. دیوئی انسان را در احاطه موقعیت می‌داند به گونه‌ای که کسی نمی‌تواند از داشتن موقعیت امتناع کند، زیرا نداشتن موقعیت، معادل نداشتن تجربه می‌باشد. بنا بر این تعریف، انسان همیشه در موقعیت قرار دارد؛ چون همواره در حال تجربه کردن است و تجربه مقدم بر موقعیت است. دیوئی در تبیین بهتر موقعیت از زبان روان‌شناسی کمک می‌گیرد تا نشان دهد که درک از موقعیت، درک احساس یا عاطفه نیست و در واقع ادراک موقعیت، لزوماً امر روانی نیست. برعکس احساس و عاطفه هم با توجه به حضور موقعیت توصیف می‌گردند (Dewey, 1990, 90-91).

یک موقعیت از عملی که دربرگیرنده واقعیت هست؛ حکایت می‌کند و هر آنچه که به واقعیت ربط داشته باشد، از عناصر زمانی و مکانی تا عناصر اجتماعی و ساختارها و روابط می‌تواند بخشی از موقعیت باشد. آنچه که دیوئی در درک از موقعیت مطرح می‌کند، کشف و شناخت تک تک عناصر و عوامل و شرایط دخیل در موقعیت نیست، بلکه نحوه ارتباط و به هم پیوستگی این اجزا می‌باشد که به نوعی نشان دهنده روح کلی حاکم بر موقعیت است.

دیوئی نظریه تحقیق و فلسفه منطق خود را با بحث در مورد موقعیت‌ها آغاز می‌کند و این شروع دلالت بر این مسأله دارد که چه چیزی می‌تواند به عنوان زمین محکم در تحقیق به حساب آید. دیوئی در پاسخ، به طرح کیفیت می‌پردازد. درک بی‌واسطه بودن همان موقعیت است. این کیفیت فوری فراگیر، همان نقشی را ایفا می‌کند که کوگیتو در معرفت‌شناسی دکارتی باید ایفا کند. این بی‌واسطگی کیفی یک موقعیت یک پایه معرفتی محکم است (Burke, 2000).

موقعیت از منظر سند تحول بنیادین: موقعیت در اسناد بالادستی آموزش و پرورش؛ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش فلسفی

1- Logic: The Theory of Inquiry

2- Situation

پشتیبان سند با عنوان تبیین فلسفه تعلیم و تربیت رسمی از دیدگاه اسلام آمده است، در اینجا با توجه به اینکه گزاره‌های اساسی مورد نظر تحقیق، از نظر محتوا و کثرت در مبانی نظری سند تحول آمده است، به بررسی در مبانی نظری سند پرداخته شد و با مراجعه به سند مذکور گزاره‌های آشکار حاوی واژه با مفهوم موقعیت استخراج گردید و در مرحله بعد به تلخیص و دسته‌بندی گزاره‌ها و باهم‌نگری آن پرداخته شد.

جدول ۱. شبکه معنایی موقعیت در مبانی نظری سند تحول

Table 1: The conceptual network of Situation in the theoretical foundations of the transformation document

عبارت کلیدی	شماره صفحه
انسان همواره در موقعیت است	۶۸
ادراک و اصلاح موقعیت	۱۱۸-۱۲۶-۱۲۰-۱۳۹-۱۳۸-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۵- ۱۵۳-۱۵۴-۱۶۰-۱۶۸-۱۸۵-۱۹۰-۲۲۸-۲۶۵-۲۶۹- ۲۸۸-۲۹۲-۳۰۹-۳۱۲-۳۳۸-۳۴۱-۳۵۱-۳۵۲- ۳۵۷-۳۶۱-۳۶۲
عناصر موقعیت و تعامل پیوسته و استعلائی آن	۱۲۶-۱۳۵-۱۵۴-۲۴۷-۲۶۶-۲۸۱-۴۰۱-۴۰۲
زمینه سازی برای خلق موقعیت	۱۲۷-۱۳۵-۱۶۵-۲۷۶-۲۷۸-۲۹۰-۲۹۲-۲۹۳-۳۴۱- ۳۶۰-۳۷۶-۴۰۱
چرخش از محیط‌گرایی به موقعیت‌گرایی	۲۲۱-۲۳۱-۲۵۳-۲۵۴
تفسیر موقعیت	۲۲۱
بازیابی موقعیت	۳۰۴
موقعیت محوری	۱۳۸-۳۷۴
موقعیت ویژه	۲۸۸-۲۴۶
تجربه در موقعیت	۲۷۸
نقد موقعیت	۲۴۷-۲۵۴-۳۵۱-۳۵۲
قبض و بسط موقعیت‌های زندگی	۲۶۶
فراموقعیت	۳۵۲

مرحله دوم: تفسیر

تلاش‌های دیویی برای روشن کردن مفهوم موقعیت را می‌توان در تبادل نظر با آلبرت بالز مشاهده کرد وقتی در پاسخ به نامه‌اش می‌گوید که نامه شما به من و آنچه در پاسخ می‌نویسم بخشی از آن چیزی است که من نام آن را «موقعیت» گذاشته‌ام. موقعیت به معنای چیزی است که شامل تعداد زیادی از عناصر متنوع است که در مناطق وسیعی از فضا و دوره‌های زمانی طولانی وجود دارد، اما با این وجود، وحدت خاص خود را دارند. در حالی که این موارد از ویژگی‌های بارز موقعیت هستند، اما از آنچه واقعا موقعیت است هم فاصله دارند (Brown, 2009, 45-46)

Brown (2012) معتقد است که مفهوم فنی «موقعیت» یکی از سوء تفاهم شده‌ترین و تحلیل نشده‌ترین نظریه‌های دیویی است و به ندرت فیلسوفان علم معاصر، نظریه منطقی دیویی را مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند و یا با آن ارتباط برقرار کرده‌اند. تنها مورد توجه فیلسوفانی است که به تحلیل «علم در عمل»^۱ علاقمند بودند. براون معتقد است، اندک تفسیر و تحلیل‌هایی هم که از نظریه موقعیت دیویی وجود دارد شامل برخی از اشتباهاتی در تفسیر ایده‌های کلیدی در نظریه منطقی دیویی است. کتاب منطق دیویی علیرغم اینکه نام منطق دارد؛ به آن نوع رفتاری می‌پردازد که مناسب موقعیت‌های مشکل ساز است و به راه حل می‌انجامد و به معنای عرفی با منطق سروکار ندارد به جز در چند بخش که ارتباط کمی با بقیه کتاب دارند (Brown, 2019). از آن جایی که این تصور در مورد علم منطق است که منطق علم تفکر صحیح و تشخیص خطا در فکر است، باعث شده دیویی هم که در واقع روی هنر تفکر، یعنی روش‌ها و مراحل غلبه بر موقعیت‌های مشکل ساز کار می‌کند؛ عنوان منطق را برگزیند.

منتقدان و مفسران دیویی در مورد اینکه موقعیت‌ها چه هستند و چگونه در نظریه تحقیق دیویی کار می‌کنند، هم نظر نیستند و مفهوم «موقعیت» مورد تبیین و تفسیرهای مختلف واقع شده است، قبل از اینکه بتوان ویژگی‌های موقعیت‌گرایی دیویی را درک کرد، باید به درک روشنی از نگاه دیویی نسبت به یک موقعیت رسید. از این رو در اینجا با تمرکز اصلی بر کتاب «منطق نظریه تحقیق» به بررسی بیشتر موقعیت پرداخته می‌شود.

دیویی از «تجربه» برای جایگزینی دوگانگی مانند ذهن/ بدن، عقل/ احساس، فرد/ جامعه با پیوستگی استفاده می‌کند که پویایی زندگی واقعی را به اندازه کافی بیان می‌کند. هر گاه یک موجود زنده به محرک‌های محیط خود پاسخ می‌دهد، محیط اطراف خود را درک می‌کند، آنها را کاوش می‌کند و به دنبال اصلاح آنها برای ارضای نیازها و انگیزه‌های اولیه‌اش است، تجربه وجود دارد. دیویی در استفاده از واژه تجربه چیزی بیش از ایده تعامل موجود زنده با محیط را در نظر دارد. تجربه از منظر دیویی یک متن یا زمینه است، نه یک حالت ذهنی یا محتوای بلاواسطه آگاهی (Ansari & Shaygan, 2019).

بنابراین دیویی مفاهیمی از تجربه‌شناختی را که به صورت فردی، ایده‌آل و منفعل تفسیر می‌کنند، مورد انتقاد قرار داد. تجربه چیزی نیست که در یک ذهن منزوی اتفاق بیفتد. بلکه تجربه

بیولوژیکی است، تا آنجا که ارگانیسم را در یک محیط درگیر می‌کند و اجتماعی است، تا آنجا که آن محیط بین الاذهانی است. پس تجربه در روابط مبادله‌ای که ارگانیسم‌ها و محیط فیزیکی و اجتماعی با آن درگیر می‌شوند اتفاق می‌افتد. تجربه واقعی، هرگز شیء یا رویداد منفرد وجود ندارد. یک شیء یا رویداد همیشه بخشی از یک دنیای تجربه شده محیطی یا یک موقعیت است (Gallagher, 2009). هرکسی، به دلیل اینکه یک موجود زنده است، از قبل درگیر یک زمینه و مدار پیوسته از فعالیت است. دیویی می‌گوید که صرف فعالیت به منزله تجربه نیست. تجربه به عنوان تلاش، مستلزم تغییر است، عقل در درون تجربه عمل می‌کند، نه فراتر از آن، تا به آن کیفیتی هوشمندانه یا معقول بدهد (Hildebrand, 2018).

در مشخص کردن جایگاه موقعیت در فلسفه دیویی می‌توان همزمان به هر دو بعد تجربه و منطق اشاره کرد که در فلسفه دیویی پررنگ است. اگر موقعیت شامل زمینه^۱، پس زمینه^۲ و محیط^۳ است، بیشتر به منطق نزدیک می‌شود و در تحقیق کاربرد دارد و اگر موقعیت را اعمال یا فعالیت‌هایی بدانیم که در تعامل موجودات با همدیگر و ارگانیسم با محیط اتفاق می‌افتد، به تجربه نزدیک می‌شود. آنچه از محیط مدنظر دیویی است، چندان با فیزیک یا زیست‌شناسی هماهنگ نیست، بلکه با مفهوم روان‌شناسی بوم‌شناختی جیسون نزدیکتر است: «این جهان فیزیک نیست، بلکه جهان در سطح بوم‌شناسی است». از نظر گیسون، یک محیط بستگی به این دارد که موجود چه چیزی را درک کند و به آن واکنش نشان دهد، چه چیزی برای آن احاطه دارد مثلاً محیط می‌تواند از یک بلوط تا درختان بلوط باشند. یک موقعیت یک «جهان» است نه به معنای جهان، بلکه به معنای داشتن یک نوع خاص از یکپارچگی، وحدت و جامعیت (Brown, 2012).

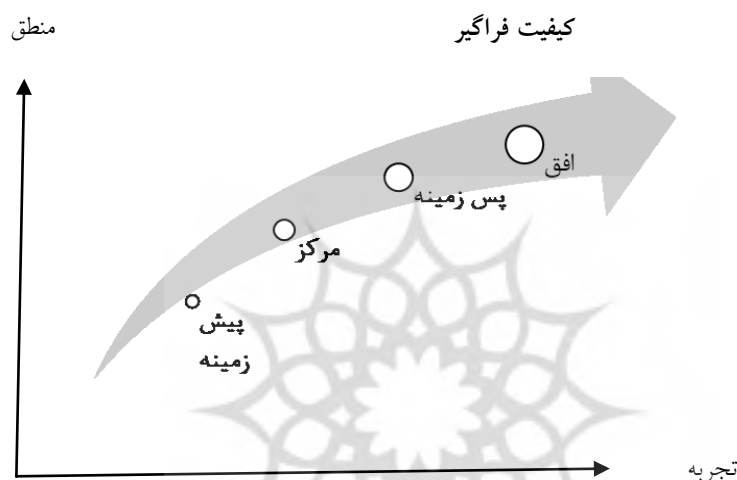
آنچه از موقعیت در فلسفه دیویی برداشت می‌شود، از منظر معرفت‌شناسانه است وقتی شکل‌گیری معرفت، منشاء پیشینی ندارد و از دل موقعیت مبهم آغاز می‌شود و پس از تداوم تجربه و حل تعارض و تناقض موقعیت و رسیدن به یکپارچگی، به اعتبار می‌رسد. آنچه می‌تواند به این فرایند در حال تغییر انسجام دهد، کیفیت فراگیر است که در همه اجزای موقعیت واقع در تجربه که شامل پیش زمینه‌ها، پس زمینه‌ها، مرکز و افق است، درک می‌گردد. بین «داشتن» یک تجربه و «دانستن» آن، تمایز وجود دارد. اولی حکایت از ارتباط بی‌واسطه با

1- context

2- background

3- environment

رویدادهای زندگی و دومی به تفسیر و تعبیر این رویدادها اشاره دارد. کیفیت فوری فراگیر با داشتن تجربه درک می‌گردد و بعد از داشتن به مرحله دانستن می‌رسد و معنی‌دار و مورد تفسیر قرار می‌گیرد. جنبه مهم از موقعیت‌ها به زبان، معنا و تفسیر مربوط می‌شود. آنچه از بستر تجربه ولی با منطقی معنایابانه و زبانی تفسیرمند مطرح می‌شود.



نمودار ۱. با هم‌نگری مؤلفه‌های موقعیت در بستر تجربه و منطق جان دیوئی

Diagram 1. An overview of the components of the situation in the context of John Dewey's experience and logic

موقعیت در مبانی نظری سند تحول

پس از توصیف گزاره‌های موجود در مبانی نظری سند تحول که به موقعیت اشاره دارد می‌توان مجموع گزاره‌ها را در سه مرحله به هم پیوسته زیر تفسیر کرد.

موقعیت‌پذیری: در مبانی سند تحول و در توصیفات مبنایی از انسان، به «در موقعیت بودن» انسان اشاره شد که موقعیت انسان را احاطه کرده است و همواره در موقعیت است (Higher Education Council, 2011, 118). این موقعیت مند بودن انسان همواره در محضر مبدا و منتهای هستی و حقیقت برتر خداوند است که فراموقعیت نامیده می‌شود. موقعیت لایه به لایه است و هر یک از موقعیت‌های خاص در ذیل موقعیت‌های بزرگتر واقع می‌باشند و در نهایت تمام

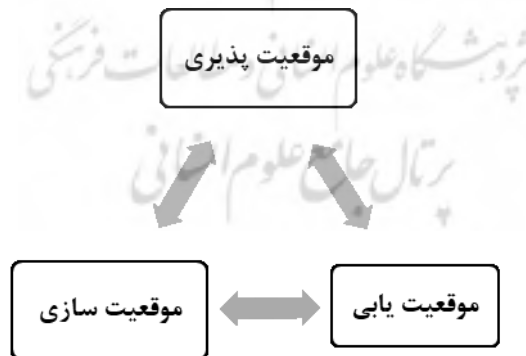
موقعیت‌های محدود و موقت در یک موقعیت فراگیر به نام سرنوشت واقعد که شناخت طرح کلی آن می‌تواند به شناخت موقعیت‌های جزئی کمک نماید (Alam Al-Hadi, 2009, 437). در مرحله پذیرش موقعیت از منظر هستی‌شناختی و انسان‌شناختی وجود فراموقعیت مطرح می‌گردد که ذیل آن مراتب وجودی موقعیت‌های دیگر قرار دارد و عناصر تشکیل دهنده هر مرتبه در ارتباط و تعامل با یکدیگر هستند، دچار قبض و بسط می‌شوند. انسان همواره در احاطه این موقعیت هاست این برداشت از موقعیت را می‌توان به مرحله پذیرش موقعیت تفسیر کرد.

موقعیت‌یابی: در مرحله موقعیت‌یابی انسان به دنبال درک موقعیت خود و دیگران است. فرایند درک موقعیت منجر به شکل‌گیری هویت انسان می‌شود. فرایند درک موقعیت خود و دیگران و عمل برای بهبود مداوم آن با توجه به حضور عنصر انتخاب و اختیار در همه عناصر اصلی این فرایند، حرکتی یک سویه و خودکار نیست، بلکه این روند می‌تواند به شکل‌گیری هویتی یکپارچه و پویا در وجود انسان و تعالی پیوسته آن متناسب با غایت مطلوب زندگی انسان بینجامد و در غیر این صورت، تکوین هویتی نامتعادل و از هم گسیخته را در پی خواهد داشت (Higher Education Council, 2011, 73). با توجه به اینکه ادراک موقعیت هویت ساز است و از سویی دیگر موقعیت‌ها لایه‌ای و چندگانه هستند، پس منجر به شکل‌گیری هویت‌های گوناگون می‌گردند که همگی ذیل یک هویت فطرت‌گرای توحیدی انسجام می‌یابند.

فرایند درک موقعیت توسط ساحت‌های وجودی انسان که شامل فطرت، طبیعت و تجربه است؛ میسر می‌شود. فطرت نوعی آگاهی پیشینی نسبت به خویشتن، خدا، خوبی‌ها و بدی‌هاست. طبیعت شامل نیازها، توانمندی‌ها و میل‌هایی است که ناشی از سرشت ویژه انسانی است. تجربه مشتمل بر آگاهی‌ها، نیازها، درخواست‌ها، رفتار و نقش‌های شکل گرفته در موقعیت‌های پیشین است (Alam Al-Hadi, 2009, 443). تعامل یکی از مؤلفه‌های اصلی موقعیت‌یابی است. توانایی درک خود و عناصر موقعیت در یک شبکه ارتباطی و در تعامل با هم. روابطی که منجر به عمل آگاهانه می‌شود. نحوه ارتباط عناصر موقعیت طبق مبانی نظری سند تحول، ارتباطی استعلایی است، این تعالی نخست در موقعیت نمود می‌یابد و سپس در مرتبهی مرتبهی (Higher Education Council, 2011, 281). موقعیت‌یابی با درک و معرفت نسبت به موقعیت خود و دیگران شروع می‌شود به ساختن موقعیت منجر می‌شود. این ساختن موقعیت همراه با سازندگی هویت انسان است.

موقعیت سازی: رویکرد اساسی نظام تربیت رسمی و عمومی سازگار با رهیافت دین محوری موقعیت‌شناسی و موقعیت‌آفرینی بر اساس نظام معیار اسلامی است (The same: 341). بعد از ادراک موقعیت باید به ساخت موقعیت رسید. یعنی موقعیت لزوماً آنچه نیست که در آن واقع شده بلکه انسان با تکیه بر نیروی عقل انسان و اکتساب انواع علوم و معارف این توانایی را دارد که به ساختن موقعیت پردازد. تربیت رسمی و عمومی شرایطی را فراهم می‌آورد که متریبان از انفعال و پذیرش مطلق محیط به سوی مواجهه فعال با محیط و عناصر موقعیت خود روی آورند. آنها باید با موقعیت‌های زندگی خود نقادانه برخورد کنند و به اصلاح و بهبود آنها پردازند (The same: 254).

تعامل فعال انسان با عناصر گوناگون موقعیت از سویی موجب تغییر مداوم مرتبه وجودی آدمی و در نتیجه تکوین و تحول پیوسته هویت فرد می‌شود و از سوی دیگر، به خلق مداوم موقعیت‌های جدید می‌انجامد. اگر این تعامل به صورت شایسته انجام پذیرد موجب تکوین و تعالی پیوسته هویت فردی و جمعی انسان متناسب با غایت حقیقی زندگی قرب الی الله خواهد شد (The same: 135). موقعیت‌سازی در مرحله متعالی‌تری از رشد وجودی انسان محقق می‌شود ولی همچنان با پذیرش و یافتن موقعیت‌های جدید همراه است به گونه‌ای که پیوستگی و ارتباط با لایه‌های مختلف موقعیتی برقرار است، موقعیتی در مرحله درک است و موقعیتی در مرحله اصلاح و بازسازی و این زنجیره موقعیت‌های زندگی و قبض و بسط آن ادامه دارد.



نمودار ۲. با هم نگری عبارات کلیدی موقعیت در مبانی نظری سند تحول

Chart 2. Looking at the key terms of the situation in the theoretical foundations of the transformation document

مرحله سوم و چهارم: مرحله همجواری و مقایسه

جدول ۲. همجواری و مقایسه موقعیت گرایی از منظر آرای جان دیویی و سند تحول بنیادین

Table 2. The proximity of situationism from the point of view of John Dewey's views and the fundamental change document

اشتراک
<ul style="list-style-type: none">• انسان همواره در موقعیت قرار دارد.• انسان در شناخت موقعیت آزاد و دارای اختیار است.• شناخت و تغییر موقعیت برای انسان امکان پذیر است.• درک از موقعیت، ماهیت کل گرا دارد.• واقعیت در عمل، موقعیت را می‌سازد.
اختلاف
<ul style="list-style-type: none">• از منظر دیویی انسان همیشه در موقعیت قرار دارد؛ چون همواره در حال تجربه کردن است. در مبانی نظری سند تحول، انسان همواره در موقعیت است. چون در تعامل پیوسته با خداوند و جهان هستی است.• موقعیت محوری در منظر دیویی مبتنی بر طرد هر گونه مبنا و قاعده از پیش تعیین شده است. در مبانی نظری سند تحول مبتنی بر نظام معیار اسلامی است.• در دیدگاه دیویی ساختن موقعیت فراتر از تجربه آدمی امکان ندارد و تجربه تعامل ارگانیک و محیط است. در مبانی نظری سند موقعیت در یک شبکه ارتباطی تبیین می‌گردد که فراتر از شناسنده موقعیت، فراموقعیت قرار دارد.• ادراک موقعیت از نظر دیویی در بستر تجربه و تحقیق محقق می‌شود. در مبانی نظری سند، توسط ساحت‌های وجودی انسان که شامل فطرت، طبیعت و تجربه است؛ میسر می‌شود.• درک کل گرا از موقعیت از منظر دیویی به واسطه درک شهودی کیفی فراگیر است و در مبانی نظری سند به واسطه تشکیک مراتب وجودی عناصر موقعیت است.• موقعیت از منظر دیویی هدف نیست که بستر رشد می‌باشد و هدفی فراتر ندارد. اما در سند تحول، موقعیت‌شناسی و موقعیت‌آفرینی در حوزه اهداف تربیت تبیین می‌شود که هویت ساز انسان برای رسیدن به حیات طیبه است.

آنچه که در موقعیت دیویی در این تحقیق تبیین گردید دلالت بر واداری دیویی به نکته‌های بنیادین فلسفه هگل و به گونه‌ای توجه به امر کلی و فراگیر در موقعیت است، که در همه اجزای موقعیت ساری و جاری است کیفی است، که از جنس درک شهودی است و قابل تبیین استدلالی نیست. پیش نیاز درک موقعیت از منظر دیویی شناخت و درک از زمینه است و زمینه صحنه کنش و عمل تعامل ارگانیک و محیط است. در رویکرد صدرایی که روح حاکم بر تبیین موقعیت در مبانی نظری سند تحول است، ملاک تأثیر عوامل و علل حرکات عالم طبیعت درجه وجود شناختی آنهاست و در مبانی نظری سند تحول هم به تعامل استعلایی اشاره شده است و این رشد استعلایی از منظر وجود شناختی در تفاوت مبنایی با رویکرد پراگماتیسمی دیویی است. در واقع موقعیت از این منظر در یک مفهوم

وسیع‌تری از تعریف جان دیویی معنا می‌یابد که قلمروهای مختلف طبیعت و ماوراء طبیعت، سنت و فرهنگ، ساختار اجتماعی و حیثیت التفاتی را در برگیرد. موقعیت در مبانی تابع معیار است ولی در فرایند و نتایج مبتنی بر قواعد از پیش تعیین شده نیست، بر یک بینش وحدت‌گرا و توحیدی در فرایندی متکثر مبتنی بر موقعیت مبتنی است. در مبانی نظری سند درک موقعیت در واقع مقدمه و شرط لازمی برای رسیدن به اصلاح موقعیت و در مرحله بالاتر موقعیت‌سازی است. یعنی در همه مراحل انسان هر چند محکوم موقعیت است ولی در مرتبه‌ای به خلق موقعیت می‌پردازد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان گردید از منظر دیویی و مبانی نظری سند تحول، طرح موقعیت تحولاتی را در همه ارکان نظام آموزشی ایجاد می‌کند:

تحول همزمان و هماهنگ برای همه ارکان آموزش و پرورش: هر موقعیتی یک فرصت یادگیری است. هنگامی که یادگیری مواجه با موقعیت‌ها تلقی شود، تهدیدها به فرصت‌ها تبدیل می‌شوند. مدرسه مهم‌ترین موقعیتی است که دانش‌آموز در آن است و اگر درک از عناصر موقعیت برای دست‌اندرکاران آموزشی و برای دانش‌آموز و معلم به معنای صحیح آن اتفاق بیفتد به مرحله اصلاح موقعیت به معنای رشد استعلایی خواهد رسید. مربی زمینه‌ساز ایجاد موقعیت‌های متنوع می‌شود، بدون اینکه موقعیت را در یک چهاردیواری کلاس درس تصور کند و دانش‌آموز در موقعیت، خودراهبر و خودآگاه است و مسئولیت اصلاح موقعیت خویش را برعهده می‌گیرد و این پویایی او را به مراحل کلان‌تر موقعیت‌سازی می‌رساند. ما حاصل این مواجهه با موقعیت‌های مختلف شکل‌گیری و ساخت و تثبیت هویت فردی و ملی و تمدنی است که مهم‌ترین هدف تربیت اسلامی است.

توجه به فرایند به جای رخداد: در موقعیت‌یابی سند تحول بنیادین به فرایند به جای رخداد، توجه می‌شود زیرا موقعیت تک‌عنصری نیست و باید به همه عوامل پس‌زمینه و پیش‌زمینه توجه نمود و برآیند کنش عناصر موقعیت را در یک فرایند درک کرد.

بازسازی برنامه درسی و روش‌های آموزشی مؤثر: در این بازسازی، برنامه درسی و روش‌های آموزشی برایند قرار گرفتن در موقعیت‌های مبهم است و تدریس خلق‌شدنی است با تمرکز بر گرایش‌ها و عکس‌العمل‌های دانش‌آموزان و به تناسب ویژگی‌های شخصیتی، پیشینه و ذائقه و سازمان عاطفی دانش‌آموزان.

مواجهه فعال با محیط در مقابل انفعال: درک و اصلاح موقعیت، شرایطی را فراهم می‌آورد که متریبان از انفعال و پذیرش مطلق محیط به سوی مواجهه فعال با محیط و عناصر موقعیت خود روی آورند. آنها باید با موقعیت‌های زندگی خود نقادانه برخورد کنند و به اصلاح و بهبود آنها بپردازند. فعالانه در جریان تحولات اجتماعی حضور یابد و از برخورد انفعالی با تحولات پرهیز کند.

سهم مشارکت نویسندگان: در پژوهش حاضر نویسنده دوم، به عنوان استاد راهنما، نظارت و راهبردی روند کلی پژوهش و تدوین و نهایی‌سازی اصلاحات مقاله را بر عهده داشته‌اند. نویسنده اول در تدوین طرح تحقیق، فرآیند گردآوری، تحلیل و تفسیر یافته‌ها و نگارش متن مقاله را برعهده داشته و در مجموع نتیجه‌گیری از یافته‌ها و بسط و تفسیر به صورت مشترک و با بحث و تبادل نظر کلیه همکاران و با همراهی نویسنده سوم، به عنوان استاد مشاور پایان‌نامه، انجام شد.

تضاد منافع: نویسندگان اذعان دارند که در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع مالی: پژوهش حاضر از هیچ مؤسسه و نهادی حمایت مالی دریافت نکرده و کلیه هزینه‌ها در طول فرآیند اجرای پژوهش بر عهده پژوهشگران بوده است.

تشکر و قدردانی: پژوهش حاضر بدون همکاری مشارکت‌کنندگان امکان‌پذیر نبود؛ بدینوسیله از کلیه مشارکت‌کنندگان تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

References

- Ansari. M. & Shavgan Far. N. (2019). Assaving the relation of Instrumentalist enistemology of John Dewey and Hermeneutical Approach. *Journal of Knowledge*, 81(1), 29-48. [Persian]
- Adick C. (2018). Beredav and Hilker: origins of the 'four stens of comnarison' model *Comnarative Education*, 54(1), 35-48. <https://doi.org/10.1080/03050068.2017.1396088>
- Alexander T M (1987) John Dewey's theory of art experience, and nature: The horizons, State of University New York Press.
- Alam Al-Hadi J (2009) Islamic Theory of Education and Training. Cultural Institute of Burhan School, Imam Sadiq University. [Persian]
- Alfano M (2012) Expanding the Situationist Challenge to Responsibilist Virtue Epistemology. *Philosophical Quarterly* 62(247), 223-249. DOI:10.1111/j.1467-9213.2011.00016.x
- Bagheri Kh (2013) Constructive realism and science education *Iranian Curriculum Studies Quarterly*, 28(7). 81-92. DOI:101103/fa. [Persian]
- Bagheri. K. et al. (2009). Research approaches and methods in the philosophy of education. Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies. [Persian]
- Brown Matthew J (2012) John Dewey's Logic of Science *International Society for the History of Philosophy*, 2(2), 258-306. <https://doi.org/10.1086/666843>
- Brown, Matthew J. (2019). The Concept of "Situation" in John Dewey's

- Logic and Philosophy of Science <https://www.matthewjbrown.net/professional/papers/situation-science.pdf>
- Burke T. (2000) What is a Situation? *History and Philosophy of Logic*, 21(2), 95-113. <https://doi.org/10.1080/01445340050064013>
- Clemente Noel I. (2021) Degrees of epistemic dependence: an extension of Pritchard's response to epistemic situationism, *Synthese*, 199(3-4), 11689–11705. <https://philpapers.org/rec/CLEDOE-3>
- Dewey J. (1990) *Logic: Research Theory*. Translated by Ali Shariatmadari. Publishing Institute of Tehran University. [Persian]
- Gallagher S. (2009) Philosophical antecedents to situated cognition. *The Cambridge Handbook of Situated Cognition*. United States: Cambridge University Press. 35-51.
- Hildebrand D. I. (2018) Experience is Not the Whole Story: The Integral Role of the Situation in Dewey's Democracy and Education. *Journal of Philosophy of Education*, 52(2), 287–300. <https://doi.org/10.1111/1467-9752.12286>
- Higher Education Council. (2013) Theoretical foundations of the fundamental transformation document in the formal and public education system of the Islamic Republic of Iran.
- Louva E. N., Khammatova R. S., Klenach Y. V., Kazakova S. N., Shukshina I. V. & Dzhafarov N. K. (2018) Approaches to the study of social situation and its subjective interpretation. *Education*, 39, p 17. <https://www.revistaespacios.com/a18v39n20/a18v39n20p17.pdf>
- Mahmoudi N. (2021) Designing a model of situational creativity based on the reflective education approach (case study: philosophy program for children). *Journal of Thought and child*, 12(1), 143-129. DOI:10.30465/FABAK.2021.6236 [Persian]
- Madandar A. & Kakia I. (2019). Comparative research method in humanities. Tehran: Samt. [Persian]
- Miller C. B. (2017) Character and Situationism: New Directions. *Ethical Theory and Moral Practice*, 20(3), 459–471. <https://philpapers.org/rec/MILCAS-12>
- Nanibzadeh H. (2011) A look at the philosophical attitudes of the 20th century. Tehran: Tahori. [Persian]
- Ozma H. M. & Craver S. (2017) *Philosophical foundations of education*. Authors: The translators of Gholamreza Motashifan & others. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [Persian]
- Rezaei M. (2019) The concept of Situation in the fundamental transformation document of education. Parpirar Art Cultural Institute Tehran. [Persian]
- Hoseinnour Sabaq D., Sharafi M. R., Alamolhoda I. & Souzanchi H. (2019) Recognizing the concept of "situation" in contemporary value education approaches. *Journal of Educational Sciences*, (2), 1-26. <https://doi.org/10.22055/edus.2019.27776.2684> [Persian]

